

مقاله‌ی کوتاه

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی کوتاه
سال چهاردهم، شماره‌ی اول، بهار ۱۴۰۱، پیاپی ۵۱، صص ۳۴۱-۳۵۴
DOI: 10.22099/JBA.2022.40806.4050

شعرهایی نویافته از امیرمعزی

همایون شکری*

چکیده

نسخه‌های خطی گنجینه‌های باارزش و مهمی هستند که آگاهی‌های فراوانی از گذشته‌ی ادبی ایران، در دل آن‌ها جای دارد. از جمله‌ی این آگاهی‌های ارزشمند، شعرهای چاپ‌نشده‌ی شاعرانی است که دیوان آن‌ها سال‌هاست که چاپ شده و متن آن در دسترس همگان است. اهمیت این شعرهای چاپ‌نشده بسیار زیاد است و ارزش آن‌ها بر کسی پوشیده نیست. در پژوهش حاضر به بررسی شعرهای امیرمعزی (۵۲۰ هـ.ق) در کتاب *رسائل‌العشاق و وسائل‌المشتاق* از ابوالمعالی مسعودبن‌احمد سیفی نیشابوری (قرن ۶ هـ.ق) می‌پردازیم. در این کتاب ۳۹ بیت به امیرمعزی نسبت داده شده است. از این تعداد ۲۲ بیت در شمار بیت‌های چاپ‌نشده‌ی اوست. این شعرهای نویافته شامل نه رباعی و چهار بیت با مضمون تغزلی است. بر اساس همین دست‌نویس مشخص می‌شود که یک غزل و دو رباعی او به نام دیگران شهرت یافته است. همچنین به استناد *رسائل‌العشاق* که تاریخ کتابت آن چندصد سال از کهن‌ترین نسخه‌ی مورداستفاده در تصحیح دیوان امیر قدیم‌تر است، چهار بیت از بیت‌های او تصحیح شده است. واژه‌های کلیدی: امیرمعزی، *رسائل‌العشاق* و *وسائل‌المشتاق*، سیفی نیشابوری، شعرهای نویافته.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه homayon.shekari@yahoo.com

۱. مقدمه

امیرمعزی، امیرالشعرای دربار سلجوقیان بود و در دربار ایشان جایگاهی ویژه داشت؛ جایگاهی که یادآور حرمت رودکی (۳۲۹ هـ.ق) در دربار سامانیان و عنصری (۴۳۱ هـ.ق) در دربار غزنویان بود (رک. عوفی، ۱۳۹۰: ۳۰۱). دیوان او تاکنون سه بار چاپ شده است. نخستین بار عباس اقبال آشتیانی این دیوان را چاپ کرده است و حاوی ۱۸۶۲۳ بیت است. با وجود آنکه نسخ قدیمی دیوان در دسترس مصحح نبوده است، این تصحیح تاکنون بهترین چاپ اشعار امیرمعزی است. پس از او ناصر هیبری با مقدمه‌ای تازه، دیوان مصحح اقبال را مجدداً به بازار عرضه کرد. پس از هیبری، محمدرضا قنبری نیز براساس نسخه‌ی اقبال، چاپ جدیدی از این دیوان را عرضه کرد. دو تصحیح متأخر در ضبط اشعار پیرو اقبال بوده‌اند و در چاپ آن‌ها کمیت و کیفیت اشعار امیرمعزی همان است که در چاپ اقبال بود (رک. یلمه‌ها، ۱۳۸۶: ۵۶)؛ بنابراین مراجعه به دیوان امیرمعزی به تصحیح عباس اقبال، خواننده را از مراجعه به دیگر تصحیح‌ها بی‌نیاز می‌کند. با توجه به این مسائل، لازم به نظر می‌رسد که تصحیحی جدید از دیوان او عرضه شود؛ زیرا امروزه نسخ تازه‌ای از اشعار وی شناسایی شده است. علاوه‌براین در جنگ‌ها و کتاب‌های دیگر، اشعار چاپ‌نشده‌ی زیادی از او به دست آمده است.

یکی از این کتاب‌ها که مجموعه‌ی ارزشمندی از شعرهای امیرمعزی در آن گنجانده شده است، کتاب *رسائل العشاق و وسائل المشتاق* از سیفی نیشابوری است. این کتاب مجموعه‌ای بی‌نظیر از یکصدنامه‌ی عاشقانه است. در خلال این نامه‌ها به مناسبت موضوع، بیت‌هایی از شاعران قرن‌های پنجم و ششم درج شده است. در این میان ۳۹ بیت از امیرمعزی نیز به استشهاد در متن گنجانده شده که تعدادی از این بیت‌ها تاکنون شناسایی نشده بودند و تعدادی از بیت‌ها به نام دیگران شهرت یافته بود. در جدول زیر آمار شعرهای امیرمعزی در کتاب *رسائل العشاق* آمده است:

شعرهای امیرمعزی در رسائل العشاق

تعداد بیت‌ها	توضیحات	
۸	همانندها	بیت‌های چاپ‌شده‌ی امیرمعزی
۴	بیت‌های نیازمند تصحیح	
۵	شعرهایی از امیرمعزی که به نام دیگران چاپ شده است	
۲۲	بیت‌های نویافته‌ی امیرمعزی	
۳۹	مجموع	

نقل بیت‌های امیرمعزی در این اثر بسیار مهم است؛ زیرا از لحاظ قدمت، کتاب *رسائل العشاق* و *وسائل المشتاق* نخستین منبع کهن تاریخ‌دار اشعار امیرمعزی به حساب می‌آید. پس از این کتاب، نسخه‌ای از منتخبات اشعار امیرمعزی به تاریخ ۷۱۳ هـ.ق. در دسترس است که منتخبی از قصاید اوست (رک. درایتی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۵۳). پس از این دو نسخه، نسخه‌ای در دست است که منتخبی از اشعار امیرمعزی و یازده شاعر دیگر است. این نسخه تاریخ کتابت ندارد. درایتی تاریخ کتابت آن را ۵۴۴ هـ.ق. می‌داند (همان)؛ اما دیگر محققان این تاریخ را نپذیرفته‌اند. علی میرافضلی (۱۳۹۴: ۷۴) بر آن است که این نسخه در قرن هشتم یا نهم کتابت شده است. محمد مهیار معتقد است که این نسخه در قرن هفتم و هشتم کتابت شده است (همان). در این پژوهش گفته‌ی علی میرافضلی و محمد مهیار ملاک رده‌بندی نسخه‌ها قرار گرفته است؛ زیرا در این نسخه شعرهایی از شاعران نیمه‌ی دوم قرن‌های ششم و هفتم آمده است؛ بنابراین پذیرش تاریخ ارائه‌شده از طرف درایتی دشوار است. با این توضیحات مشخص می‌شود که اهمیت کتاب *وسائل العشاق* در حوزه‌ی شناخت اشعار امیرمعزی تاچه اندازه است.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

جواد بشری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «برخی ابیات فارسی از سده‌ی چهارم و اوایل سده‌ی پنجم هجری در چند مأخذ کهن» متذکر شده است که *وسائل العشاق* حاوی اشعاری نویافته از شاعران قرن‌های چهارم و پنجم است. همان‌گونه که از عنوان مقاله

دریافت می‌شود، محدوده‌ی زمانی بررسی نویسنده، قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است و به همین دلیل به امیرمعزّی و اشعار او نپرداخته است. احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «دیوان امیرمعزّی و لزوم تجدید تصحیح» پس از بررسی دیوان، یادآوری کرده است که برخی از ضبط‌های دیوان امیرمعزّی غلط است و باید دیوان را بر اساس نسخ تازه، دوباره تصحیح کرد. یلمه‌ها به کتاب *رسائل العشّاق* دسترسی نداشته است و درباره‌ی این اثر چیزی نگفته است. غلامرضا سالمیان و سهیل یاری گل‌دره (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «پیش‌نهادهایی برای تصحیح برخی از بیت‌های دیوان امیرمعزّی و ذکر شعرهای نویافته‌ی وی» برای نخستین بار ۴۵ بیت نویافته از امیرمعزّی را چاپ کرده‌اند. این بیت‌ها از چند نسخه‌ی خطّی استخراج شده است که متن *رسائل العشّاق* در میان آن‌ها نیست؛ از این روی یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌هایی نو هستند.

۲. بحث و بررسی

با توجّه به مقام امیرالشّعرا امیرمعزّی، اشعار او در روزگار زندگی سیفی در کمال شهرت و روایی بوده است. سیفی نیشابوری در میان نامه‌هایی که در *رسائل العشّاق* نوشته است، روی هم‌رفته از ۳۹ بیت امیرمعزّی بهره برده است. بررسی شعرهای امیرمعزّی در *رسائل العشّاق* از دو جهت مهمّ است: یکی آنکه نویسنده‌ی کتاب در روزگار نزدیک به زمانه‌ی زندگی امیرمعزّی زنده بوده است و نقل این اشعار از فردی در جایگاه سیفی نیشابوری بسیار مغتنم است و روایت او از اشعار امیرمعزّی، روایتی قابل توجّه و شایان اعتنا است.

دیگر آنکه بر اساس گفته‌ی عباس اقبال هنگام تصحیح دیوان امیرمعزّی هیچ نسخه‌ای که تاریخ کتابت آن قدیم باشد، به دست نیامده است؛ به همین دلیل دیوان براساس نسخه‌هایی تصحیح شده است که تاریخ کتابت آن به عهد صفویّه برمی‌گردد (رک). امیرمعزّی، ۱۳۸۹: س). علاوه‌براین، به گفته‌ی مصحّح سه نسخه‌ای که مورد استفاده‌ی او بوده است، همگی مغلوط بوده‌اند و به همین دلیل او ارائه‌ی اختلاف‌ها را بی‌فایده می‌دانسته است (همان). در مقابل، تاریخ کتابت *رسائل العشّاق* چندصد سال از تاریخ کتابت نسخ مورد استفاده در تصحیح دیوان امیرمعزّی کهن‌تر است؛ بنابراین ثبت اشعار

وی در این اثر بسیار پراهمیت و باارزش است. بر این اساس در ادامه به بررسی اشعار او در کتاب *رسائل العشاق* می‌پردازیم.

۱.۲. بررسی بیت‌های چاپ‌شده

در ابتدا باید گفت که ۱۲ بیت از بیت‌هایی که در *رسائل العشاق* به نام امیرمعزی آمده است، در *دیوان* او و دیگر منابع چاپی موجود است. در ضبط این بیت‌ها، ضبط چند بیت در *دیوان* و *رسائل العشاق* یکسان است. یکی از آن بیت‌ها این است:

۱. آن بت مجلس فروز اگر با ماستی مجلس ما خرمستی کار ما زیباستی
(امیرمعزی، ۱۳۸۹: ۷۱۷؛ سیفی، ۱۳۹۹: ۸۶)

در جایی دیگر اندک اختلافی در ضبط واژگان دیده می‌شود. ابتدا بیت‌های امیرمعزی را در *رسائل العشاق* بخوانیم:

۲. ای ماه لاله‌روی من ای سرو سیم‌تن از دل تو را فلک کنم از جان تو را چمن
۳. زیرا که دل سزد فلک ماه لاله‌روی زیرا که جان سزد چمن سرو سیم‌تن
(همان: ۵۶)

در *دیوان امیرمعزی* (۱۳۸۹: ۶۰۶) مصراع اول بیت دوم به گونه‌ای دیگر ثبت شده است: «زیرا که دل سزد فلک ماه‌روی را». به نظر می‌رسد معزی در این بیت می‌خواسته است که جانب موازنه‌ی دو مصراع را رعایت کند. برای روشن شدن این قصد کافی است به بیت‌های بعدی او توجه کنیم:

زلف تو توده‌توده‌ی مشک‌ست بر قمر جعد تو حلقه‌حلقه‌ی ابرست بر سمن
زان توده‌توده است به شهر اندرون بلا زان حلقه‌حلقه است به دهر اندرون فتن
(همان)

رعایت این تناسب‌ها از ویژگی‌های شعر امیر است که در ضبط کهن‌تر *رسائل العشاق* حفظ شده است؛ بنابراین باید ضبط *رسائل العشاق* را برتر از ضبط *دیوان* بدانیم.

در چند بیت دیگری که از یکی از غزل‌های امیرمعزی نقل شده است، در دو بیت، اختلاف بین ضبط سیفی و آنچه در دیوان آمده است، بسیار است. در دیوان بیت‌های مورداشاره، بدین‌شکل آمده است:

بر من این رنج و غم آخر به سر آید روزی	لب من بر لب آن خوش‌پسر آید روزی
آسمان گر نکشیدست قلم بر نامم	نامم از نام‌های اقبال برآید روزی
دولت نیک مرا کشت بسی تخم امید	تخم دولت چو بکاری به بر آید روزی

(امیرمعزی، ۱۳۸۹: ۷۸۶-۷۸۷)

در مقابل، ضبط سیفی به این شکل است:

و گاه جان را بدین ابیات تازه همی‌گردانم، چنانک معزی گفت:

۴. بر من این رنج و غم آخر به سر آید روزی	لب من بر لب آن سیم‌بر آید روزی
۵. آسمان گر نکشیدست قلم بر نامم	نامم از نام‌های اقبال برآید روزی
۶. دولت اندر دل من کشت بسی تخم امید	تخم چون دولت کارد به بر آید روزی

(سیفی، ۱۳۹۹: ۱۲۳)

می‌بینیم که اختلاف در دو بیت بسیار است. با توجه به اینکه سیفی در فاصله‌ای اندک از مرگ معزی می‌زیسته است و تاریخ کتابت رسائل‌العشاق بیش از سه قرن از تاریخ کتابت نسخه‌های مغلوط و ناقص دیوان امیرمعزی کهن‌تر است و ترجیح ضبط کهن بر ضبط متأخر یک قاعده‌ی پذیرفته شده در تصحیح متون کهن است، ضبط رسائل‌العشاق بر ضبط دیوان برتر است. تا اینجا سه بیت از بیت‌های مسلّم امیرمعزی تصحیح شد. با توجه به این اختلاف‌ها محتمل است که ضبط اشعار امیرمعزی در نسخ مورداستفاده در تصحیح دیوان او با آنچه او سروده است، تفاوت‌هایی داشته باشد و به همین دلیل اعتماد کلی به دیوان خالی از اشکال نیست. در ضمن تکیه بر هر احتمال برون‌متنی دیگری ما را از دایره‌ی قواعد تصحیح متن خارج می‌کند.

دو بیت دیگری که سیفی از امیرمعزی نقل کرده است، در بخش «اضافات» دیوان آمده

است. اقبال دلیل انتقال این قصیده را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«دولت‌شاه در تذکره‌ی خود (ص ۲۶۴) این قصیده را به نام مولانا مظفر هروی در مدح ملک معزالدین حسین کرت (۷۳۲-۷۷۲) ضبط کرده و در آنجا بیت تخلّص چنین آمده: سلطان فلک قدر معزّ دول و دین کز جمله ملوکش نه نظیرست و همالی ملاحظه‌ی این مطلب ناشر را به شبهه انداخت و با وجود آنکه این قصیده در بعضی نسخ دیوان به وضعی که در متن چاپ کرده‌ایم بود باز از ضبط آن در باب «یاء» خودداری شد.» (امیرمعزی، ۱۳۸۹: ۸۲۴).

باوجوداین، ناشر پس از دیدن نسخه‌ای از منتخبات دیوان/امیرمعزی که در ۷۱۳ - ۷۱۴ ه.ق. کتابت شده است، یقین حاصل می‌کند که این قصیده از امیرمعزی است و این قصیده را از اشعار مسلم امیر می‌داند. وجود دو بیت از آن قصیده در رسائل‌العشاق که تاریخ کتابت آن حدود سی سال پیش از نسخه‌ی خطی اشعار امیرمعزی است، ثابت می‌کند که نظر ناشر بی‌وجه نبوده است. بیت‌ها از این قرار است:

۷. در خواب خیال تو به نزدیک من آید گویم که مگر هست مرا با تو وصالی
 ۸. بیدار شوم چون نه تو باشی نه خیالت عشق تو مرا باز نداند ز خیالی
- (امیرمعزی، ۱۳۸۹: ۸۲۵؛ سیفی، ۱۳۹۹: ۱۰۵)

در جایی دیگر دو بیت از قصیده‌ی معروف امیرمعزی نقل شده است که ضبط سیفی (همان: ۱۳۷) با ضبط دیوان اندکی اختلاف دارد. باید در نظر داشت که با توجه به دلایلی که پیش از این گفته شد، ضبط سیفی بر ضبط دیوان برتر است:

۹. از روی یار خرگهی ایوان همی‌بینم تهی وز قد آن سرو سهی خالی همی‌بینم چمن
 ۱۰. از حجره تا سعدی بشد وز خیمه تا سلمی بشد و از حله تا لیلی بشد گویی بشد جانم ز تن
- ضبط این بیت دوم در دیوان امیرمعزی (۱۳۸۹: ۵۹۷) این چنین است:

از خیمه تا سعدی بشد وز حجره تا سلمی بشد و از حمله تا لیلی بشد گویی بشد جانم ز تن رباعی زیر در دیوان/امیرمعزی نیامده است؛ اما در نزهة‌المجالس (شروانی، ۱۳۶۶: ۴۵۶) به نام معزی آمده است. اکنون با ثبت این رباعی در رسائل‌العشاق انتساب آن به امیرمعزی پشتوانه‌ای دیگر یافته است. پنداری که درین موارد و مصادر معزی گفت:

رباعی

۱۱. ای دیده و دل هر دو پسندیده تو را دارم ز عزیزی چو دل و دیده تو را
۱۲. از دیدن دیده گر شود دل عاشق دل، عاشق توست دیده نادیده تو را
(سیفی، ۱۳۹۹: ۲۵)

۲.۲. اشعار سرگردان

اشعاری که در این بخش می‌آید، در دیوان چاپی امیرمعزّی نیست؛ اما به نام دیگران به چاپ رسیده است. بدین شرح که دو رباعی امیرمعزّی در *نزهةالمجالس* به دیگران نسبت داده شده است و یکی از غزل‌های او در دیوان سنایی (۵۳۵ هـ.ق) چاپ شده است. از دو رباعی، رباعی زیر به مجدالدین ابوالبرکات بیهقی علوی (۶۱۵ هـ.ق) نسبت داده شده است. ابوالبرکات از نوادگان حضرت علی بن ابی‌طالب بوده و بیهقی (۵۶۵ هـ.ق) این شاعر و نویسنده‌ی ذولسانین را ستوده است (رک. بیهقی، ۱۳۹۶: ۴۲۶). در *لباب‌الالباب* نیز قصیده‌ای به زبان فارسی از او نقل شده است (رک. عوفی، ۱۳۹۰: ۴۶۹).

۱۳. در وصل تو دی گرد طرب گردیدم وز هجر تو امروز به غم پیچیدم
۱۴. دی گر به بهشت در بیارامیدم امروز پس از بهشت دوزخ دیدم
(سیفی، ۱۳۹۹: ۱۵۰؛ شروانی، ۱۳۶۶: ۵۴۸)

این رباعی با اندکی اختلاف، در جنگ رباعی در شمار رباعی‌های امیرمعزّی آمده است (رک. میرافضلی، ۱۳۹۴: ۷۷). این رباعی به استناد یک نسخه‌ی قرن یازدهمی به سنایی غزنوی هم نسبت داده شده است (رک. همان: ۳۷). با وجود اینکه این نسخه‌ی قرن یازدهمی را نسخه‌ای «بسیار معتبر» دانسته‌اند، به نظر می‌رسد باید در انتساب این رباعی به سنایی محتاط بود؛ زیرا اکنون می‌دانیم که نویسنده‌ی قدیم‌ترین منبعی که این رباعی را آورده است، آن را به امیرمعزّی نسبت داده است. این مورد تنها موردی نیست که شعرهای امیرمعزّی به سنایی نسبت داده شده است. در جایی دیگر سیفی (۱۳۹۹: ۱۸۰) این بیت امیرمعزّی را نقل می‌کند:

۱۷. از تو هر جایی بنالم زآنکه هر جایی شدی هست جای ناله از معشوق هر جایی مرا

در انتساب این بیت به امیرمعزی پرسش‌هایی مطرح است؛ زیرا این بیت با اختلافاتی در ضبط واژگان، در بخش غزلیات دیوان سنایی، (۱۳۵۵: ۷۹۸) مصحح مدرّس رضوی، نیز بدین صورت آمده است:

از تو هر جایی **ننالِم** تا تو هر جایی شدی نیست جای ناله از معشوق هر جایی مرا
پس از دیدن اختلاف دو بیت ابتدا این پرسش پیش می‌آید که کدام ضبط برتر است؟ به توجه به جملاتی که سیفی (۱۳۹۹: ۱۷۹-۱۸۰) پیش از این بیت به کار برده است، به نظر می‌سد که ضبط سیفی بر ضبط دیوان سنایی ارجحیت دارد. سیفی در این جملات از معشوق می‌خواهد که بر عهد و وفای خود بماند تا مصداق گفته‌ی امیرمعزی نباشد؛ بنابراین در ضبط این بیت «بنالم» بر «ننالِم» و «هست» بر «نیست» برتر است:

چندانک شرط عاشق آنست که جز یک معشوق را نخواهد، قاعده‌ی معشوق نیز همچنانست که جز یک عاشق را نداند و اگرچه دیگران به محبت او دعوی‌ها کنند و به مودت او رغبت‌ها نمایند، نه به جانب ایشان التفات کند و نه به دوستی ایشان رغبت نماید تا عاشق را هرگز از وی شکایت نباید کرد و این بیت نباید گفت چنان‌که معزی گوید....

سؤال دیگر این است که آیا این بیت و این غزل از سنایی است یا امیرمعزی؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که به نظر می‌رسد این غزل از سنایی نیست؛ زیرا در کتاب *غزل‌های حکیم سنایی غزنوی* که در آن ۴۰۲ غزل مسلّم سنایی بر اساس شش نسخه‌ی کهن تصحیح شده است، این غزل نیامده است. سه نسخه‌ی کهنی که در این تصحیح مورد استفاده و استناد بوده است، در قرن‌های ششم و هفتم کتابت شده و در هیچ‌یک از این نسخ و دیگر نسخ متأخر اما معتبر اشعار سنایی، این غزل موجود نبوده است (رک. جلالی پندری، ۱۳۸۶: نود و هشت). در چاپ جدید *دیوان سنایی* (۱۳۹۳، ج ۱: ۴۹۱)، مصحح برزگر خالقی، این غزل به پشتوانه‌ی سه نسخه به تاریخ کتابت ۱۰۰۲، ۱۰۰۳ و ۱۰۰۶ آمده است؛ این درحالی است که هیچ‌یک از نُه نسخه‌ی مقدم بر این نسخ، این غزل را ندارند؛ بنابراین در صحت انتساب این غزل به سنایی جای تردید است و متعاقب آن باید در جست‌وجوی گوینده‌ی آن بود. در این مسیر، اطلاعات کتاب *رسائل العشاق*

می‌تواند راهگشا باشد و با استناد به آن می‌توان این غزل را از امیرمعزی دانست؛ مگر اینکه منبعی معتبرتر از این کتاب، صحت این انتساب را مخدوش کند.

یکی دیگر از رباعی‌های امیرمعزی منقول در *رسائل العشاق*، در *نزهةالمجالس* به جمال‌الدین شاهفوربن محمد اشهری نیشابوری (۶۰۶ هـ.ق) نسبت داده شده است:

۱۵. امروز که یار من مرا مهمان است بخشیدن جان و دل مرا آسان است

۱۶. دل را خطری نیست، سخن در جان است جان افشانم که روز جان افشان است

(سیفی، ۱۳۹۹: ۱۴۰؛ شروانی، ۱۳۶۶: ۴۹۰)

این رباعی در جنگ رباعی نیز به نام امیرمعزی است (رک. میرافضلی، ۱۳۹۴: ۸۳). با توجه به این آگاهی‌ها، این رباعی و رباعی پیشین را باید از امیرمعزی دانست؛ زیرا تک‌نسخه‌ی کتاب *نزهةالمجالس* در ۲۵ شوال ۷۳۱ رونویسی شده و بنابر گفته‌ی مصحح کتاب، این تاریخ نزدیک است به تاریخ تألیف آن. (رک. شروانی، ۱۳۶۶: ۴۸). براین اساس تاریخ کتابت *رسائل العشاق* که در ۶۸۵ هـ.ق. کتابت شده است، بیش از چهل سال از تاریخ تألیف و رونویسی *نزهةالمجالس* کهن‌تر است. افزون‌براین روشن است که تاریخ تألیف *رسائل العشاق* پیش از تاریخ کتابت نسخه بوده است؛ پس به تقریب اختلاف زمانی میان تألیف این دو کتاب بیش از نیم قرن است. گذشته‌ازاین باید توجه داشت که امیرمعزی، ابوالبرکات و اشهری در شمار تربیت‌شدگان حوزه‌ی فرهنگی خراسان در عصر سلجوقیان بوده‌اند و کتاب *رسائل العشاق* نیز در روزگاری نوشته شده است که خاطره‌ی این شاعران هنوز در ذهن مخاطبان نویسنده زنده است و اشعار ایشان در میان مردم رایج بوده است؛ براین اساس به نظر می‌رسد که احتمال خطای سیفی نیشابوری در انتساب اشعار به امیرمعزی اندک است. همچنین اطلاعات موجود در جنگ رباعی مؤید این نکته است که این دو رباعی به احتمال قریب به‌یقین از سروده‌های امیرمعزی هستند.

۳.۲. اشعار نویافته‌ی امیرمعزی

در *رسائل العشاق* به اقتضای موضوع نامه‌ها، نه رباعی و چهار بیت غزل‌گونه از امیرمعزی آمده است. تاکنون این اشعار در هیچ جایی چاپ نشده و باید در تصحیح مجدد دیوان،

این اشعار نویافته به دیوان/امیرمعزی اضافه شود. در ادامه ابتدا چهار بیت تغزلی می‌آید و سپس رباعی‌ها نقل می‌شود:

نه بدین طعن‌ها زبان‌درازی باید کرد، چنانک امیرمعزی، رحمة‌الله، گفته است:

نظم

۱۸. اگر یار دمساز ما بودئی مرا رنج بر رنج نفزودئی
۱۹. وگر کم نگشتی تو را مهر من مرا درد بیهوده ننمودئی
۲۰. دلت گر نبودى به جای دگر به جان کردمى هر چه فرمودئی
۲۱. نیم مر تو را چون نه‌ای تو مرا تو را بودمى گر مرا بودئی
(سیفی، ۱۳۹۹: ۱۶۵)

و این ترانه هم معزی راست و لایق و موافق این حالت‌ست، چنانک گفت:

رباعی

۲۲. نادیده تو را رهی هوای تو گزید دل نامزد تو کرد و پیش تو کشید
۲۳. کس در همه عالم این ندید و نشنید کز دلبر نادیده جفا باید دید
(همان: ۲۵)

به سبب آنک تلخی و شیرینی ضد یکدیگرند، ترسم که سخن تلخ تو هلاک جان شیرین بنده باشد و زوال عقل عزیز من گردد، چنانک معزی گوید:

۲۴. در عشق تو ناله کردن آیین من است و آیین تو غارت دل و دین من است
۲۵. با این همه هم جواب من تلخ دهی تلخی که هزار جان شیرین من است
(همان: ۵۸)

به تضرع از خدای تعالی همی خواهد تا دل چون سنگ او نرم گرداند و درشتی از وی کم کند، چنانک معزی، رحمة‌الله، گوید:

رباعی

۲۶. نگشاید یار من همی مشکل من خواهد کی به کوی او بود منزل من
۲۷. بس سنگ‌دل‌ست او بی‌حاصل من یارب دل او نرم کنی چون دل من
(همان: ۶۰)

سرکشیدن از غمخواره‌ای که سرگردان تو باشد، ناجوانمردی بود، چنانک امیرمعزی گوید:

۲۸. مگمار بتا بلای هجران بر من تاریک مکن جهان چو زندان بر من
۲۹. من خود ز غم عشق تو ای زیباروی سرگردانم تو سر مگردان از من

(همان: ۶۴)

رازی که از خویش و بیگانه مستور داشته باشد، در مستی پیدا شود، چنانک معزی گوید:

۳۰. دردی که من از عشق تو در دل دارم^۱ پیدا نکنم ز شرم تا هشیارم
۳۱. چون می خورم و رسد به مستی کارم از چشم و زبان یکان یکان می بارم

(همان: ۸۵)

بدین بیت اختصار کردم، چنانک هم معزی گوید:

بیت

۳۲. گر یکچندی فتاده بر بستر خویش کردم ز غمت شکایت آخر خویش
۳۳. اکنون که تو را بدیدم اندر بر خویش از سجده‌ی شکر برنگیرم سر خویش

(همان: ۱۴۱)

سخن دراز شد، بدین بیت اختصار کنم، چنانک معزی گوید:

رباعی

۳۴. چون در تو اثر نمی‌کند هیچ سخن بگذاشتم هر آنچه خواهی می‌کن
۳۵. نه یار نوت باید نه یار کهن احسنت و زهی شیفته‌ی بی‌سر و بن

(همان: ۱۷۷)

خورشید نشاط من آن‌گاه برآید که روی تو بینم، چنانک امیرمعزی، رحمه‌الله، گوید:

غزل

۳۶. ای ماه فرو رفته اگر باز برآیی روشن تر و زیباتر و تابنده‌تر آیی
۳۷. خورشید نشاطم ز سر کوه درآید چون تو به نشاطی ز سر کوه درآیی

(همان: ۲۰۴)

اول مشقت بود و آخر عذاب، چنانک امیرمعزی گوید:

۳۸. در اوّل کار بردی ای زیبا یار از چشم و دلم به ساحری خواب و قرار
۳۹. واکنون سببی ساختی ای طرفه نگار تا آخر کار گشت چون اوّل کار
(همان: ۲۱۰)

۳. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با بررسی شعرهای امیرمعزی در کتاب *رسائل العشاق* نتایج زیر حاصل شد:
- روشن شد که جمال خلیل شروانی در *نزهة المجالس* به اشتباه دو رباعی امیرمعزی را به ابوالبرکات و اشهری نسبت داده است؛
- مشخص شد که یکی از غزل‌های امیرمعزی به غلط به *دیوان سنایی* راه یافته است؛
- چهار بیت از بیت‌های امیرمعزی تصحیح شد؛
- همچنین بیست و دو بیت نویافته از امیرمعزی، برای نخستین بار ارائه شد.

یادداشت

۱. در جنگ رباعی، مصراع نخست این رباعی در رباعی دیگری تکرار شده است که به جز مصراع نخست، باقی مصراع‌ها متفاوت هستند (رک. میرافضلی، ۱۳۹۴: ۷۸).

منابع

- امیرمعزی، محمدبن عبدالملک. (۱۳۸۹). *دیوان امیرمعزی*. تصحیح و تحشیه عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
بشری، جواد. (۱۳۹۸). «برخی ابیات فارسی از سده‌ی چهارم و اوایل سده‌ی پنجم هجری در چند مأخذ کهن». *کهن‌نامه‌ی ادب پارسی*، سال ۱۰، شماره‌ی ۱، صص ۱۳۱-۱۵۱.
بیهقی، علی‌بن‌زید. (۱۳۹۶). *تاریخ بیهقی*. مقدمه، تصحیح و تحشیه قاری سیدکلیم‌الله حسینی، تهران: اساطیر.
جلالی پندری، یدالله. (۱۳۸۶). *غزل‌های حکیم سنایی*. تهران: علمی و فرهنگی.

جهانبخش، جویا. (۱۳۹۹). «فردوسی در رسائل‌العشاق». *آینه‌ی پژوهش*، سال ۳۱، شماره‌ی ۳، مرداد و شهریور، صص ۲۵۳-۲۶۵.

درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرست‌واره‌ی دست‌نویس‌های ایران (دنا)*. ج ۵، تهران: کتابخانه‌ی مجلس.

دولت‌شاه سمرقندی. (۱۳۶۶). *تذکره‌الشعرا*. به همّت محمد رمضان، تهران: کلاله‌ی خاور. سالمیان، غلامرضا و یاری گل‌درّه، سهیل. (۱۳۹۳). «پیش‌نهادهایی برای تصحیح برخی از بیت‌های دیوان امیرمعزی و ذکر شعرهای نویافته‌ی وی». *کهن‌نامه‌ی ادب پارسی*، سال ۵، شماره‌ی ۴، صص ۵۵-۷۲.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم. (۱۳۵۵). *دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی*. تهران: سنایی.

_____ . (۱۳۹۳). *دیوان حکیم سنایی*. تصحیح: محمدرضا

برزگر خالقی، ج ۱، تهران: زوآر.

سیفی نیشابوری، علی بن احمد. (۱۳۹۹). *رسائل‌العشاق و وسائل‌المشتاق*. به‌کوشش جواد بشری، تهران: بنیاد موقوفات افشار و سخن.

شروانی، جمال خلیل. (۱۳۶۶). *نزهة‌المجالس*. تصحیح و مقدمه و حواشی و توضیحات و تحقیق زندگی‌گویندگان و فهرست‌ها محمدامین ریاحی، تهران: زوآر.

عوفی، محمد. (۱۳۹۰). *لباب‌الالباب*. به‌کوشش سعید نفیسی، تهران: پیامبر.

میرافضلی، علی. (۱۳۹۴). *جنگ رباعی: بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی*. تهران: سخن. یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۸۶). «تصحیح جدید از دیوان امیرمعزی». *کتاب ماه ادبیات*،

شماره‌ی ۳، پیاپی ۱۱۷، صص ۵۶-۶۲.

_____ . (۱۳۸۷). «دیوان امیرمعزی و لزوم تجدید تصحیح». *فصلنامه‌ی علوم*

انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۷ و ۱۸، شماره‌ی ۶۷ و ۶۸، صص ۲۳۷-۲۵۸.